



۲۹ آبان، سالروز تصویب
قانون کار بر تلاشگران
عرصه تولید و سازندگی
تبریک و تهنیت باد

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



سال سیزدهم
شماره ۱۵۱
آبان ماه ۱۴۰۲

سال سیزدهم | شماره ۱۵۱ | آبان ۱۴۰۲

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

به نام اصلاح، قانون کار را به مسلخ بردند با اصلاح مخالف نیستیم

این خانه آتش گرفته؛ کمک کنیم خاموش شود!

صفحه ۱

مجمع تشخیص مصلحت
نظام به دغدغه‌های
کارگران توجه می‌کند

صفحه ۶

آیا میدانستید فرآیند پیر شدن
از کدام قسمت بدن
شروع می‌شود؟

صفحه ۸

به بهانه ۲۹ آبان،
سالروز تصویب قانون کار،
خبری از جشن نیست!
می‌آییم فریاد بزنیم!

صفحه ۲

علیرضا محبوب در گفت‌وگو
با ماهنامه 'اتحادیه پیشکسوتان'؛
به نام اصلاح، قانون کار را به
مسلخ بردند

صفحه ۳

مصاحبه با آقای صادقی
در مورد قانون کار:
با اصلاح مخالف نیستیم

صفحه ۴

هشدار دکتر علی حیدری درباره
تهدید منابع مالی
تامین اجتماعی؛
این خانه آتش گرفته؛
کمک کنیم خاموش شود!



رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام:



مجمع تشخیص مصلحت نظام

به دغدغه کارگران در مورد برنامه هفتم توسعه توجه می‌کند

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی (رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام):

- ما هنوز بررسی موضوع برنامه هفتم توسعه کشور را تمام نکردیم ولی کانون کارگران بازنشسته به ما مراجعه کردند و مشکلاتی را گفتند و پاسخ ما این بود که گفتیم جلساتی بگذارند تا قبل از اتمام بررسی ما در هیئت‌های نظارت، موارد را بیشتر بررسی کنند.
 - نمایندگان کارگران شاغل هم باید تلاش کنند که در جلسات کمیسیون‌های تخصصی هیئت‌های نظارت حضور پیدا کنند و بنده هم بعنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام سفارش می‌کنم که نماینده‌ای از جامعه کارگری بیاید و نکات و نقطه نظرات‌شان را منعکس کنند.
 - آن مقداری که قانون اجازه می‌دهد در هیئت عالی به دغدغه کارگران توجه می‌شود؛ چون بحث ما فقط بحث سیاست‌هاست و ما هر اشکالی را نمی‌توانیم بررسی کنیم، بلکه از حیث انطباق سیاست‌های کلی نظام موضوعات بررسی میشوند.
- انشاء... برنامه هفتم توسعه را هم از حیث انطباق با سیاست‌های کلی نظام در مجمع تشخیص مصلحت به دقت بررسی می‌کنیم.

نگاه اول سید مجتبی قریشیان - سردبیر

امان مان بریده، طاقت مان طاق شده!!



بعد از حرف و حدیث‌های فراوان امید می‌رفت تازه‌ترین جلسه شورای عالی کار به بحث ترمیم مزد کارگران اختصاص داده شود که البته آقای 'مرتضوی' وزیر محترم تعاون و کار پیش از آن وعده اش را داده بود! ۸ آبان ۱۴۰۲ خبرهای خوبی از درون جلسه مخابره نمی‌شد! یکی از اعضای کارگری شورای عالی کار که ظاهراً از دستور جلسه مطلع

شده بود؛ از حضور در نشست اعضای شورای عالی کار منصرف می‌شود و دستور جلسه به موضوعات دیگری از جمله طبقه بندی مشاغل اختصاص داده شده است.

بر اساس گزارش‌های اعلامی دیگر نمایندگان کارگری شورای عالی کار هم به نشانه اعتراض قصد ترک جلسه را داشته‌اند که گویا آقای وزیر قول بررسی مزد ۱۴۰۲ در پایان آبان ماه را می‌دهند.

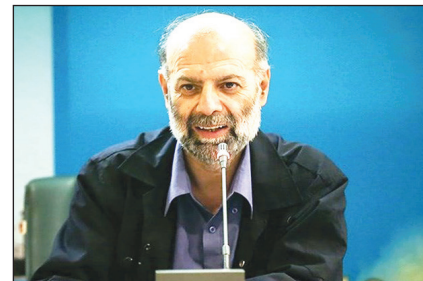
حقیقتاً کارگران و بیش از ۴ میلیون بازنشسته محترم تامین اجتماعی به لحاظ معیشتی در بخش ویژه به سر می‌برند و در شرایط بحرانی قرار دارند و با وجود گذشت ۸ ماه از سال جاری هنوز هم شاهد وعده‌های بی عمل مسئولان محترم وزارت تعاون و کار هستیم! تورم و گرانی‌ها امان افسارحقوق بگیر را گرفته و ده‌ها میلیون کارگر ایرانی و بازنشستگان شریف و نجیب با سیلی صورت خودشان را سرخ نگاه داشته‌اند و نفسشان به شماره افتاده است!

سخن ما با دولت محترم و شخص وزیر ارجمند تعاون و کار است! لطفاً با کلمات و جمله‌ها بازی نکنید! با روح و روان کارگران و پیشکسوتان بازی نکنید و سوهان روح آنان نباشید! این جماعت همان کارگران محترمی هستند که سال‌های متمادی برای گردش چرخ‌های اقتصاد کشور از جان مایه گذاشته‌اند و امروز توقع دارند در آرامش نسبی ادامه حیات دهند! باور کنید این جماعت شهروند درجه ۲ نیستند.

پایان آبان ۱۴۰۲ را هم خواهیم دید و امیدواریم آقای وزیر به عنوان مسئول ارشد شورای عالی کار و به عنوان نماینده دولت گامی در جهت ارتقاء معیشت کارگران و بازنشستگان عزیز بردارند و آبان امسال خاطرات خوشی در ذهن مان حک و ثبت گردد.

جناب آقای وزیر! وفای به عهد هم شرعی است، هم عرفی و هم منطقی. در شأن وزیر جمهوری اسلامی نیست که خلف وعده کند.

"علیرضا محجوب" درگفت و گو با ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان"

به نام اصلاح، قانون کار را به مسلخ بردند
اگر منافع کارگران در کار است؛ دستشان را می بوسیم

دیپلکس خانه کارگر در نشست با سردبیر ماهنامه مطرح کرد:

بدون شک هیچ فردی بهتر از "علیرضا محجوب" دیپلکس خانه کارگرو نماینده ادواری مجلس نمی تواند درباره قانون کار و آنچه در این سالها بر این قانون گذشته اظهار نظر نماید؛ در آستانه ۲۹ آبان سالگرد تصویب قانون کار جمهوری اسلامی ایران پای صحبت های این پیشکسوت دفاع از کارگرو قانون کار نشستیم؛

اصلاح قانون کار به نفع کارگر نبوده!

ما بارها گفته ایم که اگر کسی می خواهد به نفع کارگر قانون کار را اصلاح نماید اهلا وسهلا بفرمایند مقدم شان را گرامی می داریم و کفش آنها را واکس می کنیم. ولی همه کسانی که تا امروز ادعای اصلاح قانون کار را داشته اند تا آمده اند، خواسته اند یک چیزی را علیه کارگر وضع کنند و یا یک امتیازی از کارگر بگیرند. همین که در قانون برنامه هفتم توسعه وقتی که می نویسند و کار آموز را تبدیل به ضدکار آموزی می کنند یعنی از حق بیمه او را محروم می کنند. از زندگی محروم می کنند. بعضی یک عده ای می دوند به دنبال اینکه مثلاً اعضای فلان صندوق خیریه را بیاورند سر سفره تامین اجتماعی، من تعجب می کنم و تاسف می خورم که دولت نمی داند و مجلس مطلع نیست که اگر صندوق تامین اجتماعی یک ریال کم بیاورد اینها باید، آنرا تامین کنند. باید همه کشور را رها کنند و اداره کشور را رها کنند و صندوق تامین اجتماعی را بچسبند. اینها چرا روال عادی صندوق را به هم می زنند. چرا وارد مسائلی می شوند که قانون تکلیف آن را معلوم کرده است. مثلاً قانون مشخص کرده که کار آموز باید حداقل را در یافت کند و بیمه اش برقرار باشد. چرا این روال را به هم می زنند. یک شرکتی می خواهد کسی را برای کار آموزی

بیاورد او را برای آموزش می فرستد ۱۵ تا ۱۸ سالی که قانون اجازه داده است تا این اتفاق بیفتد. بی قاعده و بی ترتیب، قانون نوشتند؛ اینها ضد کارگر است یعنی بر علیه کارگر است. قانون کار قانون کارگر است نه قانون کارفرما نه قانون کارگر و کارفرما! این اقدامات بر علیه کارگر است

اگر کسی می خواهد به نفع کارگر قانون کار را اصلاح نماید اهلا وسهلا بفرمایند مقدم شان را گرامی می داریم و کفش آنها را واکس می کنیم.

اینهایی که فکر می کنند قانون کار قانون روابط کارگر و کار فرماست باید کمی بیشتر مطالعه بکنند من فقط یک جمله ای را که بارها گفته ام آنرا تکرار میکنم اینها دچار اشتباه هستند چون قانون کار از این لفظ گرفته شده است. **able law** که در اینجا به معنی حقوق کارگری است در کشورهایی که حزب کارگری وجود دارد آنها **able party** هستند یعنی حزب کارگر هستند و به آنها می گویند حزب کارگر، چون این تعبیر به معنی کارگر است. اینجا منظور کار کارگر است. اینهایی که به این شکل ادعای اصلاح دارند این اصلاح نیست بلکه حمله به حقوق کار کارگر است. اصلاح نیست؛ خراب کردن است.

اصلاح، پایمال کردن حق نیست!

چه کسی است که که قائل به این باشد که حقوق یک عده ای را پایمال کنند و اسمش را اصلاح بگذارند. پایمال کردن حقوق کارگر که اصلاح نمی شود. اصلاح یعنی بهتر کردن، یعنی مناسب تر کردن، یعنی بستر را

بهرتر کردن و شرایط را بهتر فراهم آوردن و آماده سازی بهتر. اگر کسی تا حالا از این دست پیشنهاد ها آورده است و ما با آن مخالفت کرده ایم به مانسان دهد. اینها که می گویند این کار را انجام دهیم تا اشتغال و رونق تولید بهتر شود. پاسخ ما به آنها این است که الان نه تنها اشتغال مشکل ندارد بلکه مشکل این است که کارگر پیدا نمی شود. به درست است برای کارگر متخصص، برای کارگر تحصیل کرده و دارای تحصیلات عالی، برای کارگر زن ماهنوز مشکل داریم آنها باید این مشکل را حل و فصل کنند ما اعتقاد داریم که این مشکل از این راه حل نمی شود.

عرض من این است که به واسطه کاهش نیروی انسانی تازه نفس الان اشتغال به معنی کارگر ساده و کارگر نیمه ماهر مشکل نداریم نه تنها مشکل نداریم بلکه کسری هم داریم. از این ۲ بخش که بخش عمده اشتغال را تشکیل می دهند الان شرایط بهتر از قبل شده است، اصلاً با این حقوق و شرایط کسی نمی رود کار کند باید شرایط بهبود پیدا کند. برای همین هست که مامی گویم چرا قورباغه ابو عطا میخونه حکایت این است: آب که سر بالا بره قورباغه ابو عطا میخونه. اینها بایستی بیایند و طرحها و پیشنهادهای را بیاورند که افراد بیشتری جذب بازار کار بشوند. و رویکرد مثبت و درستی را پیش بگیرند نه اینکه برعکس عمل بکنند.

سخن پایانی ...

ما این روز را گرامی می شماریم و جهت بزرگداشت این روز و صیانت از قانون کار برنامه های ویژه و متنوعی مثل برگزاری جلسات و اجتماعات جهت معرفی قانون کار به کارگران داریم. وسعی می کنیم این روز را باشکوه برگزار کنیم.

بیانیه تشکل های کارگری و بازنشستگی مازندران؛

سونامی "تورم" و "گرانی" را مهار کنید!

در نشست تشکل های کارگری و بازنشستگی

استان مازندران مطرح شد:

کنونی خصوصاً «در تدوین بودجه سنواری کشور سهمی و مبلغی را برای درمان کارگران و بازنشستگان تعیین نمودند. کلیه هزینه هایی که اکنون در سطح بیمارستانهای ملکی طرف قرارداد سازمان تامین اجتماعی می شود مطلقاً و تماماً از جیب بیمه شده ها می باشد. علاوه بر آن بازنشستگان به غیر از پرداخت این هزینه در زمان اشتغال و بیمه پردازی، بعد از بازنشستگی، دوباره هزینه درمان پرداخت می نمایند. لذا رفع این وضع نگران کننده را از مسئولین سازمان تامین اجتماعی و شخص وزیر محترم کاری خواهیم.

نویسندگان این بیانیه همچنین به موضوع بانک رفاه اشاره کرده و تاکید کرده اند: حمایت بانک مرکزی از بانک رفاه کارگران در تخصیص تسهیلات کم بهره و قرض الحسنه به این بانک که متعلق به بیمه شدگان می باشد را کافی نمی دانیم و ضمن حمایت از بانک رفاه کارگران و ممنوع دانستن بانک مرکزی در دست درازی در امور نحوه اداره این بانک، خواهان افزایش تخصیص وام قرض الحسنه و تسهیلات کم بهره برای بیمه شدگان (کارگران و بازنشستگان) می باشیم.

آنها با اشاره به موضوع کارگران ساختمانی در بیانیه خود آورده اند: بیمه کارگران ساختمانی حق اولیه این زحمتکشان مسلمان بوده، ضمن قدردانی از فراکسیون کارگری

تشکل های کارگری و بازنشستگی استان مازندران در بیانیه ای خواستار رسیدگی به مشکلات معیشتی و شغلی کارگران و بازنشستگان شدند.

به گزارش خبرنگار ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان"، در این بیانیه بی توجهی عده ای از مسئولین در عدم توجه به وضع بد معیشتی کارگران و بازنشستگان که در سونامی تورم و گرانی متحمل انواع گرفتاری اقتصادی و اجتماعی هستند مورد انتقاد قرار گرفته و آمده است: پادمان نرفته است که آقای وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مقابل سیل اعتراضات در اوایل سال جاری در خصوص تعیین مقدار افزایشات حداقل مزد کارگران کشور در شورای عالی کار پاسخ داده بودند که قانوناً امکان بررسی مجدد تعیین شده در ادامه و قبل از نیمه دوم سال وجود دارد. و با این وعده که از اول بر ما معلوم بود این سخنان حرکتی برای جلوگیری از گسترش اعتراضات جامعه کارگری و بازنشستگی بوده است

در این بیانیه تصریح شده: حقوق و مستمری تعیین شده برای بازنشستگان و از کار افتادگان سازمان تامین اجتماعی هیچ تناسبی با مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی نداشته و این قانون گریزی ظلم آشکاری در حق این دو قشر بزرگ و آسیب دیده است.

این تشکل ها با خطاب قرار دادن سازمان تامین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مجلس شورای اسلامی، آن ها را مقصر عدم پرداخت باقیمانده مبلغ همسان سازی در حقوق بازنشستگان، از کار افتادگان و بازنشستگان دانسته و با تاکید بر لزوم اجرای کامل قانون همسان سازی و استمرار اجرای آن در آینده، به موضوع درمان پرداخته و نوشته اند: مطابق اصول قانون اساسی، درمان رایگان وظیفه دولت در حق آحاد مردم است. دولت ها بطور عموم و دولت

و بانک رفاه کارگران و جلوگیری از دخالت سازمانهای دیگر و همچنین تسویه بدهی بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته و آمده است:

ما خواهان تقسیم عادلانه ثروت از قبیل متناسب سازی و دائمی کردن آن در حقوق شریف ترین و سختکوش ترین و مظلوم ترین قشر از اقشار یعنی کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی که متأسفانه بیش از ۷۵٪ آنان حداقل بگیر بوده، می باشیم.

و کمیسیون اجتماعی مجلس، خواهان دائمی کردن بیمه کارگران ساختمانی برای همه کارگران این بخش می باشیم.

فراهم کردن امنیت شغلی یعنی رفاه، آرامش، افزایش کمی و کیفی تولید و شکوفایی اقتصاد و دلگرمی و استمرار زندگی آبرومندان، از دیگر خواسته های نویسندگان این قطعنامه است که بر همین اساس خواستار اصلاح تبصره ماده ۷ در راستای امنیت شغلی کارگران هستند.

در این بیانیه بر استقلال سازمان تامین اجتماعی



معاون دبیرکل خانه کارگر به تشریح قانون کار پرداخت!

با اصلاح مخالف نیستیم



در آستانه ۲۹ آبان، سالروز تصویب قانون کار جمهوری اسلامی ایران سردبیر نشریه با حسن صادقی از فعالان با سابقه کارگری و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت وگویی را انجام داده که متن آن را مطالعه می‌نمایید.

مخالف اصلاح قانون هستیم و نیستیم!
قانون کار، قانونی آمرانه است. در قانون کار جمهوری اسلامی، شاهد این هستیم، و همچنین علاقمندان و دست اندر کاران مسائل کار و کارگری و تامین اجتماعی به خوبی آگاه هستند که تغییرات مکرر و اصلاحات پی در پی و الحاقات مختلفی که به قوانین صورت می‌گیرد، صرفاً وصله و پینه کردن است نه حل مشکلات و نارسایی‌ها، ما به این معتقد هستیم که هر قانونی سوالات و ابهامات خاص خودش را دارد. قانون کار هم از این قاعده استثناء نیست این قانون هم سوالات و ابهاماتی داشته و دارد ولی نمی‌توان صرفاً به دلیل اظهارات و ابهامات ما نقش اثرگذاری قانونی را ندیده بگیریم و آنرا کمرنگ جلوه دهیم من معتقد هستم که قوانین ساخته دست بشر یا ساخته ذهن انسان قابل تغییر است و هیچ قانونی نمی‌تواند تا ابد ثابت باشد، قوانین بر اساس نیازها و در طی گذشت زمان دچار تغییر می‌شوند. دچار اصلاحات بنیادی می‌شوند. آن چیزی که باید حاصل این تغییرات و اصلاحات باشد رفاه و آسایش بشر است. چون قوانین منطبق برای ایجاد رفاه و آسایش بشر آمده است قوانین آمده اند تا بشر را در مسیر آسایش و رفاه قرار دهد. قانون شکل می‌گیرد تا در خدمت انسان باشد. قوانین با تسهیل کردن و هموار کردن مسیر زندگی، زندگی راحت و بدون دغدغه را برای بشریه ارمغان دارد. قوانین نمی‌آیند که زنجیری بر پای انسان باشند و مانع برای او ایجاد کنند، مگر برای خلافکاران و آنهایی که خط قرمز قوانین را رد میکنند و به قانون تن نمی‌دهند. در طول تاریخ بشر و از زمانیکه لوح‌های دوران هخامنشی را که در ارتباط با کار می‌باشد ما مشاهده می‌کنیم حکایت از این دارد که این قانون برای رعایت حقوق انسان بوجود آمده و تحریر شده است، نه برای اینکه او را به استثمار بکشند. قوانین برای جلوگیری از استثمار انسان بوجود آمده است. علی‌الخصوص در یکی دو قرن اخیر. از اعلامیه فلافلیاتا شکل گیری سازمان بین المللی کار همواره جنبش‌های کارگری را که نگاه بکنیم، همگی حرفشان این است که قوانین باید به سمت حمایت از انسان پیش برود و در این خصوص حرکت روبه جلو داشته باشد. در بعد از انقلاب اسلامی قانون کار ما هم با این نگاه شکل گرفته تا با توجه به اندیشه‌های ژرف فقه تشیع و در چارچوب قوانین و احکام اسلامی از انسان حمایت کند و نیروی کار را مورد صیانت قرار دهد. بنا بر این، این قانونی که مابعدان قانون کار با آن مواجه هستیم چکیده‌ای از افکار و اندیشه‌های جنبش سیاسی، اعلامیه فلافلیاتا انقلاب کارگران در شیکاگو در سال ۱۸۸۶ حتی چکیده‌ای از افکار و ذهنیت فقه تشیع است یعنی مجموعه‌ای است از تلفیق اینها که نتیجه‌اش شده است قانون کار که مدرن بودنش را با وام گرفتن از افکار و اندیشه‌های فقه تشیع، و گرفتن دست آوردهای دنیای پیشرفته کنونی نشان می‌دهد. و همه برای این است که خودش را با زندگی امروز کارگر تطبیق بدهد. این امر که قانون کار در این رابطه تا چه میزانی موفق بوده و توفیقاتی داشته است این خودش یک بحث جداگانه‌ای است که باید در جای خودش مورد بررسی و تبادل نظر قرار گیرد. ما هم اعتقاد داریم که این قانون در بسیاری از موارد نتوانسته است آنچه را که ما می‌خواستیم و نیاز داریم تامین کند. و جوابگوی نیازهای ما باشد. این از ویژگی بارز قانون کار است که در ساختار اقتصادی کشور قابلیت تطبیق با هر شرایطی را دارد. یعنی

اگر این قانون را در اقتصاد سوسیالیستی بخواهی اجرا کنی قابلیت اجرا دارد. در اقتصاد نئوسوسیالیستی هم بخواهی پیاده‌اش کنی قابلیت اجرا دارد. بنا بر این یک قانونی است که خودش را با شرایط اقتصادی هر جامعه‌ای تطبیق می‌دهد. این حسن قانون کار است. این که در تطبیق تا چه میزان حقوق کارگر رعایت می‌شود این یک بحث جداگانه‌ای است. اما قابلیت تطبیق با هر شرایط اقتصادی را دارد. یعنی اگر شما اقتصاد ایران را دولتی کنید، این

قانون قابل تطبیق است، اگر اقتصاد را سوسیالیستی کنید قابل تطبیق است. این قدر نرزش دارد و قابل انطباق هست که شما با هر شرایط اقتصادی می‌توانی این قانون را اجرا و پیاده‌اش کنی، در بحث‌هایی از قانون کار شاید برخی از حقوق کارگر تضعیف

شود مثل قراردادهای موقت کار، مثل تعاونی‌های مصرف، مثل ساخت مسکن، مثل ساعت کار، مثل حق شیفت و نحوه نوبتکاری. اینها موارد و چیزهایی است که برجستگی‌های این قانون را نسبت به قوانین دیگر مد نظر قرار داده است. اما در همین قانون ایراد مهمی وجود دارد که با شرایط اقتصادی فعلی جامعه سازگار نیست و آن فصل ششم این قانون است. یعنی تشکلات کارگری، آنچه در خصوص تشکلات کارگری در فصل ۶ قانون کار آمده است، از مواد ۱۳۰ تا ۱۳۷ همه‌اش این تشکلات را دولت ساز کرده است. این قانون تشکلات کارگری را ساخته که این تشکلات نگاهشان نگاه دولت محوری است. در مباحث کار تشکیلاتی اثرگذار نیستند. لذا قانون کار ما در آن هم زهر وجود دارد و هم پادزهر. نکات مثبت و منفی فراوانی در آن وجود دارد. اینکه ما یک پا به ایستیم و مدعی شویم که این قانون بسیار عالی است درست نیست، این امر خیلی قابل دفاع نیست. آن طرف قضیه هم بگویم این قانون بد است این هم در ست نیست و قابل استناد نیست. قوانین معمولاً به گونه‌ای نیست که رضایت همه افراد جامعه را جلب کند. هر قانونی رضایتمندی یک طیفی را تضمین میکند، و یک عده‌ای را هم ناراضی میکند. اما آنچه که امروز می‌خواهیم راجع به آن صحبت کنیم، این است که این قانون در حال حاضر

با این ساختار اقتصادی قابل تطبیق است و پاسخگوی نیازهای جامعه می‌باشد. ما می‌توانیم با توسل به این قانون مشکلات را در چارچوب چانه زنی و گفت‌وگو اجتماعی رفع کنیم و نواقص آنرا برطرف کنیم. اینکه حالا یک طیفی تحت عنوان بحث اشتغال راه بیفتند و بگویند در مقابل این قانون یک قانون موازی درست کنیم این یعنی نادیده گرفتن واقعیتی بنام قانون کار که چتر حمایتی خود را بر روی اقشار مختلف گسترانیده است. در حوزه کارگری می‌خواهیم بگویم که نه، این قانون

در کارگاه‌های کوچک اجرا نشود، این قانون در بحث دستمزد، دستمزد را منطقه‌ای کند، این قانون در بحث قراردادها، قراردادها را توافقی کند. این قانون در حوزه و موارد برخی از کارگران مثل رعایت حداقل دستمزد و بیمه اجباری اعمال قدرت نکند. اگر بنا است از این دست اتفاقات بیفتد نباید در حوزه وضع و تصویب یک قانون

موازی اتفاق بیفتد باید برگردیم و روجوع کنیم به خود همین قانون. ما باید از نقاط قوت همین قانون مثل ماده ۱۹۱ و ماده ۱۸۹ بهره‌برداری لازم را بکنیم چون ماده ۱۸۹ همین قانون می‌تواند پاسخگو باشد. در این قانون ماده ۱۹۱ وجود دارد که می‌تواند مسیر را تصحیح کند. برای اینگونه موارد دیگر نیازی نیست که برویم و قوانین انحرافی را وضع کنیم که بخواهیم حقوق کارگر را تنظیم کند در واقع ایجاد قانون موازی نوعی تضعیف حقوق کارگر است. ما با تمسک به همین مواد متری که وجود دارد می‌توانیم هم بن بست را برطرف کنیم و هم حقوق نیروی کار را رعایت کنیم اینجا است که ما مخالف تغییر هستیم. اگر بنا است که اصلاح صورت پذیرد باید از مفاد خود همین قانون بهره‌برداری شود. هیچ اصلاحی بالاتر از این نیست که شما رجوع کنید به خود قانون کار یعنی اصلاح همین قانون کار موجودا نکته دیگر اینکه این قانون در محیط کار شاید حق و حقوق نیروی کار را بصورت ۱۰۰٪ در هنگام کار ضمانت نکند. اما وقتیکه کارگری مورد ظلم واقع می‌شود در مقطعی که می‌خواهد از محیط کار منفک شود. اینجا قانون حمایت‌های لازم را از او بعل می‌آورد و پشت سر او قرار می‌گیرد و احقاق حق او را، انجام می‌دهد. این نکات برجسته‌ای است که در قانون کار وجود دارد. اما اینکه ما به ایستیم و بگویم که مرغ یک پادار دهر چه که ما بگویم

قانون شکل می‌گیرد تا در خدمت انسان باشد. قوانین با تسهیل کردن و هموار کردن مسیر زندگی، زندگی راحت و بدون دغدغه را برای بشریه ارمغان دارد. قوانین نمی‌آیند که زنجیری بر پای انسان باشند و مانع برای او ایجاد کنند، مگر برای خلافکاران و آنهایی که خط قرمز قوانین را رد میکنند و به قانون تن نمی‌دهند.

صحیح است، این درست نیست. بالاخره اگر نیاز به تغییر قوانین می‌باشد باید علمای قوم و کارشناسان گرد هم بیایند و این قانون را مورد بازنگری و اصلاح قرار دهند و منافع مشترک همه را در آن لحاظ کنند. تا بتوانیم قانونی داشته باشیم که اثرگذاری آن در بلند مدت و در ساختار اقتصادی کشور و در محیط کارمان ملموس باشد. به نظرم قانون کار مشکلات و مضراتی هم دارد که این مشکلات ۲۰٪ این قانون را شامل می‌شود و ۸۰٪ آن حسنات و مزایا میباشد. اینکه ما در رابطه با یک قانونی سیاه نمایی کنیم و آنرا کاملاً مضر به حال تولید و اشتغال بدانیم و آنرا مانعی بر سر راه سرمایه‌گذار بدانیم حرف عبث و غیر منطقی است.

با همین قانون در دهه ۷۰ بزرگترین نرخ سرمایه‌گذاری را داشتیم با همین قانون توانستیم بزرگترین رشد و رونق اقتصادی را داشته باشیم با همین قانون کاهش نرخ تورم را داشتیم و با همین قانون، توانستیم جذب سرمایه خارجی خوبی را داشته باشیم. اگر این قانون مضر و مخل مواردی مثل رونق تولید و رشد اقتصادی بود باید همان سالهای اول اجرا خودش را نشان می‌دادند الان و پس از ۳۰ سال حال بیاییم و مدعی شویم که اینها موانع هستند، موانع امروز اقتصاد ایران و بازار کار و جذب سرمایه خارجی قانون کار نیست. بلکه سیاست‌های اقتصادی دولت هاست، سیاست‌های غلط اقتصادی دولت است که مانع ایجاد می‌کند، و گر نه قانون کار خودبه‌خود با جریانات و موارد ذکر شده قابل تطبیق است، چون قانون کار یک قابلیت و نرمش و انعطاف‌پذیری خیلی خوبی دارد و این از ویژگی‌های قانون کار است.

اصلاح قانون و حل مشکلات!

به نظر مشکل حاد و خاصی در این رابطه وجود ندارد، الان نیروی کار بیگانه تا دلتان بخواهد در کشور مسا فراوان است، مگر قانون کار برای اینها مشکل و مانعی ایجاد کرده است، اصلاحاتی در ماده ۱۵۴ آورده شده است که اگر شما می‌خواهید از نیروی کار خارجی استفاده بکنید باید حق و حقوق او را رعایت کنید، به استناد همین قانون باید این کار تشکل داشته باشد، به استناد همین قانون، کارفرما باید برای نیروی کار خارجی مجوز اشتغال بگیرد یا اگر نگیرد جریمه می‌شود که این امر منطبق با قوانین دنیا هست، آن طرف قضیه در کجای این قانون آورده شده که کارفرما نمی‌تواند کارگر خاکی و معجرم خود را اخراج کند. در کجای این قانون از کارگر متخلف دفاع کرده. یکی از حسن‌های خیلی خوب قانون کار، قابلیت انعطاف بودن آن است. ببینید ما در اقتصاد تقریباً دولتی که قرارداد داریم، این قانون قابلیت اجرایی دارد، اگر چنانچه یکدفعه اقتصاد ۷۵٪ خصوصی شود باز این قانون کار قابلیت اجرایی را دارد، و خودش را کاملاً با شرایط تطبیق می‌دهد انعطاف‌پذیری که برگرفته از روان بودن مفاد آن است و خودش را با شرایط روز جامعه منطبق می‌کند، درست مثل اشعار حافظ و سعدی که این اشعار در حدود ۷۰۰الی ۸۰۰ سال قبل سروده شده ولی شما هر وقت آنها را مطالعه می‌کنی فکر می‌کنی که در امروز سروده شده است. و کاملاً بیانگر مسائل روز جامعه است.

پایمی برای منتقدان قانون!
مطبق برنامه همه ساله، قطعاً نشست و گرد همایی برگزار خواهیم کرد و نقطه نظرات خودمان را در رابطه با قانون کار به عنوان مدافع حقوق نیروی کار و میزان اثربخشی آن در اقتصاد کلان را بیان خواهیم نمود. تشکر می‌کنیم از بانیان و دست اندر کاران تصویب قانون کار و به منتقدین هم این پیام را می‌دهیم که مواردی را که به نظرشان می‌رسد بیان و بنشینیم با همدیگر مذاکره کنیم تا انشاءالله به یک نظر مشترک برسیم، تا منافع مشترک همه تامین گردد.

هشدار دکتر علی حیدری" کارشناس ارشد سازمان تأمین اجتماعی درباره تهدید منابع مالی سازمان؛

این خانه آتش گرفته؛ کمک کنیم خاموش شود!

بخش دوم:



درمورد اموال سازمانهای بیمه گر به مراحت گفته شده که متعلق به مردم است، یعنی حق الناس است، بیت المال و بودجه دولت و مال دولت نیست، حق الناس است. این اموال متعلق به مردم است، یعنی حق مردم است

فقر، فقر، متاسفانه جامعه بیمه شدگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی این مشکل را دارند. آن کارشناس هایی هم که آنجا نشینند و این برنامه را نوشته اند با کمال تأسف عمق فاجعه را و عمق اثرات نامطلوبی که این کارها در سازمان تأمین اجتماعی بجای میگذارد درک نمی کنند و نمی بینند. چرا چون اثرات این تصمیمات و کارها در خدمات سازمان الان خودش را نشان نمی دهد. این اثرات چند سال بعد خودش را نشان میدهد، مثلاً شما در بیمه نامه های تجاری می بینی که بیمه نامه های مکمل وجود دارد. برای مثال شما وقتیکه ماشین خودت را بیمه می کنی شرکت بیمه کننده، بابت بیمه ماشین امسال یک مبلغی را دریافت می کند و خودت را بیمه می کنی. اگر امسال خسارتی را که شرکت بیمه کننده بابت خودت رویشما می پردازد زیاد باشد و یا قیمت خودرو افزایش پیدا کرده باشد، به هر دلیلی که این سرمایه گذاری برای شرکت بیمه کننده سودش کاهش پیدا کند، در سال بعد وقتی که می خواهی خودت رو خودت را بیمه کنی، دیگر شرکت بیمه کننده با قیمت قبلی خودت رویشما را بیمه نمی کند بلکه باید مبلغی بالاتر از سال قبل را پرداخت کنی چون سال به سال اثر این کار خودش را در این بیمه نشان می دهد در سازمان تأمین اجتماعی هم اثر تصمیمات دولت و مداخلاتی که می کند الان معلوم نمی شود بلکه بعداً معلوم می شود. حکایت آن کسی است که داشت با اره قفل یک مغازه را در شب می برید، یک نفر از او سوال کرد که داری چکار می کنی؟ آن شخص گفت دارم تار می زنم آن نفر پرسید چرا تار می زنی صدا ندارد، دزد گفت صدایش فردا درمی آید. کما اینکه وضعیتی را که مستمری بگیران و بازنشستگان ما دارند خوب و مکفی نیست و این ما حاصل تصمیمات غلط گذشته است.

— آقای دکتر! از چالش های پیش

یک نهاد مستقل وجود داشت که این نهاد مستقل می آمد و بر اساس اصول علمی زنگ خطر را به صدا در می آورد این پولی را که شما دارید از بانک مرکزی اضافه برداشت می کنید این موضوع منجر به پایه پولی تورم میشود. ولی الان دولتها از سال ۵۴ و خصوصاً در ۲ دهه اخیر دارند از جیب کارگران استقراض می کنند، یعنی از سازمان تأمین استقراض می کنند. اینجا پایه پولی اتفاق نمی افتد یعنی شما استقراضی از بانک مرکزی که یک نهاد مستقلی در آنجا وجود دارد و آذین خطر را به صدا در می آورد، نمی کنید، ولی در حوزه تأمین اجتماعی چون ۳۰۰ میلیارد گری از این رفته است کسی نیست که آذین خطر را به صدا در آورد و بگوید آقا وقتی که شما بدهی جاری خودت را پرداخت نمی کنی چه اتفاقی می افتد و چه تبعاتی دارد همین امسال که بودجه سازمان تأمین اجتماعی ۶۴۵ همت است از این ۶۴۵ همت حدود ۱۸۰ همت آن حق بیمه هایی است که دولت پرداخت آن را تقبل کرده است. و بصورت قانونی بوده است یا ماده بند ۳/۳ بوده یا ۴۹ صنفی بوده که تا ۵۸ کارگر را کارفرما نیازی نیست که حق بیمه بدهد و دولت به جای آن سهم کارفرما را باید پرداخت کند. ۵۸ قانون و مقرراتی وجود دارد که در آن تصویب شده، به هر دلیلی دولت و مجلس های گذشته مصوب کرده اند که این فرد را بیمه کنید و حق بیمه اش را دولت می پردازد. الان از این ۶۴۵ همت بودجه سازمان تأمین اجتماعی تقریباً ۳/۱ آنرا دولت باید پرداخت کند، در حالیکه در بودجه چقدر دیده شده است. با ضرب زور و تلاش ۷۰ همت دیده شده است آن ۱۱۰ تایی که دیده نشده میشود کسری بودجه ولی چون این کسری بودجه مثل بانک مرکزی یک نهاد مستقلی ندارد که محاسبه گری و مطالبه گری بکند. نتیجه اش این می شود که دولت می گوید حالا من فعلاً این موارد را بدهم بقیه بماند برای بعد، این مثل آن کسی است در دانش یک مقداری نخود و کشمش ریخته بود، اینها روی زمین ریخت، یکسری مورچه هم آنجا بودند این فرد بجای اینکه نخود و کشمش هارا جمع کند مورچه ها را برمی داشت و می خورد، یک نفر گفت که چرا مورچه ها را می خوری گفت: مورچه ها پا ندارند که فرار کنند. متاسفانه مشمولین قانون تأمین اجتماعی شهروندان درجه ۲ تلقی می شوند و هیچ نماینده ای در دولت و مجلس و حاکمیت ندارند. طبیعتاً وقتی شما نماینده ای نداشته باشی، صدایت هم کم است و کسی آنرا نمی شنود، و صدایت و کارشناسانی هستند که روی استقراض دولت از بانک مرکزی حساس هستند چرا که آنجا هم

باید تبعاتش را بپذیرد. یکسری تصمیماتی را که دولت دارد میگیرند مثل بحث آزاد سازی قیمت دارو و جراحی های اقتصادی که می خواهد انجام دهد. طبیعتاً در مورد همین آزاد سازی قیمت دارو و یا بقول خودشان واقعی سازی قیمت دارو که عملاً هیچ اتفاق مثبتی هم در آن نیفتاد یک هزینه هایی به سازمان تأمین اجتماعی تحمیل شد. در حالیکه همین هزینه ها وقتی که بیمه سلامت طرف قرار داد است، شما پولش را پرداخت می کنی. بیمه سلامت متعلق به ۴۰ الی ۴۵ میلیون نفر است، اینها اگر در این طرح دچار هزینه شوند. تأمین اعتبار میکنی، چون بیمه سلامت یک نهاد دولتی است، ولی همان پول را به این ۴۵ میلیون نفر دیگری که این طرف تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی می باشند، که تازه حق بیمه شان را هم خودشان پرداخت می کنند پرداخت نمی کنی؟! این هم یکی دیگر از چالش های پیش روی سازمان تأمین اجتماعی می باشد. در حالیکه در سیاست های کلی سازمان تأمین اجتماعی که از سوی رهبری ابلاغ شده در بند ۱۹ این سیاست ها گفته شده که شما هر طرح و برنامه ای را که می خواهید اجرا کنید باید برایش پیوست تأمین اجتماعی داشته باشی، این امر کاملاً صراحت دارد یعنی چه؟ ما قانونی داریم بنام پیوست محیط زیستی یعنی شما وقتی می خواهید در جایی کارخانه ای را احداث کنید باید اثبات کنید که سازمان محیط زیست، که این کارخانه برای آب و هوا و زمین و درخت ها و آدمهای اطراف مضر نیست. در پیوست تأمین اجتماعی آورده شده است که شما هر طرحی را که در کشور می خواهید اجرا کنید باید معیشت کارگران را بسنجید که آن را دچار مشکل نکند و سلامتشان را به خطر نیندازد. الان این تصمیماتی که گرفته می شود و خیلی از آنها هم مغایر با بند ۹ پیوست سیاست های کلی تأمین اجتماعی می باشد. از دیگر چالش های سازمان تأمین اجتماعی بحث نیروی کار خارجی مجازی و غیر مجازی است که در کشور وجود دارد. در سایر کشورهای دنیا یک بحثی دارند بنام تعرفه عوارض یا مالیات اجتماعی یعنی شما اگر یک کالای مثل پارچ را در ایران برای مصرف همه مردم بطور کامل تولید می شود و نیازی هم به وارداتش نداریم اگر کسی برود این پارچ را از نوع لوکس و شیکش وارد کند، باید عوارض و مالیات اجتماعی پرداخت کند یعنی این کالا علی رغم اینکه توان وظرفیت تولیدش در داخل کشور وجود دارد چون در داخل کشور تولید نمی شود باید بابت آن عوارض پرداخت کنید چون رشد و اشتغال را تحت تأثیر

ادامه گفت و گوی مبسوط سردبیر ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" سید مجتبی قریشیان با آقای دکتر علی حیدری از صاحب نظران به نام سازمان تأمین اجتماعی؛ ایشان به طور دقیق و جامع مفاد لایحه هفتم توسعه در جاهایی که محل اختلاف و انتقاد تشکل های کارگری و بازنشستگی می باشد را تحلیل نموده و درباره ساختار مزد هم صحبت های خوبی را داشتند؛ بخش دوم این گفت و گو را حتماً مطالعه نمایید.

— آقای دکتر با تشکر از پاسخگویی دقیق شما به سوالات ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" ما بایم نقطه نظرات شما درباره مفاد لایحه هفتم توسعه را هم بشنوم.

روش قانونگذاری و قانون نویسی ما اینطوری نیست که مبتنی بر مطالعات کارشناسی قبلی باشد و این مطالعات پایه و اساس قرار بگیرد و تا انتها مسیر آن طی شود. ما قبلاً ۲ مجلس بودیم یکی مجلس شورای ملی و دیگری مجلس سنا. مجلس شورای ملی یک مقداری معطوف به ذینفعان و مردم و کف جامعه بود. اما مجلس سنا هم نخبان بودند و هم قرار بود که کارهای کارشناسی انجام دهند در نتیجه روال امور بین جامعه و مردم از طریق یک شرایط نخبگی و منطقی طی می شد. الان وقتیکه شما مذاکرات مجلس را پیگیری می کنید، می بینید وسط بررسی یک موضوعی که قبلاً روی آن کار مطالعاتی و کارشناسی شده، یکدفعه یک نماینده محترم فی البداهه پیشنهادی را مطرح می کند و بدون اینکه از قبل روی این پیشنهاد کار شده باشد؛ رای می آورد، در حالیکه این موضوع مغایر با تمام اصول کارشناسی است. مثلاً شما همین گزارش کمیسیون تلفیق را که مطالعه نمایم مشاهده خواهید کرد که بحث استاد شاگردی هم در بند گزارش آمده و هم در بند الحاقیه ۱۶ یعنی عین متن ۲ بار تکرار شده این مطلب نفر به خودش زحمت نداده متن را یکبار بخواند و متوجه شود که تکراری است یعنی حتی یک نفر بطور صوری و توسط سیستم رایانه ای هم آن را کنترل نکرده، در حالیکه در گذشته روی اینها کار مطالعاتی صورت می گرفت. اما اینکه چرا ادغام نیست از زمان گذشته تا الان وقتی دست در جیب بانک مرکزی می کرد، چون بانک مرکزی یک نهاد مستقل بود. صدایی بعنوان اعتراض بلند میشد، که این پایه پولی میشود و تورم ایجاد می کند آنجا اساتید و صاحب نظران و کارشناسانی هستند که روی استقراض دولت از بانک مرکزی حساس هستند چرا که آنجا هم

هشدار دکتر علی حیدری درباره تهدید منابع مالی تامین اجتماعی؛

این خانه آتش گرفته؛ کمک کنیم خاموش شود!

ادامه از صفحه ۵

بسیار دور تا آتش را خاموش کند شما از دین و عقیده اوسوال نمی پرسى و از حزب و جناحش نمی پرسى می خواهی این آتش خاموش شود. یا وقتی که کشتی

در حال غرق شدن است کاری نداری که چه کسی این کشتی را نجات می دهد، برای شما مهم نجات کشتی است. الان سازمان تامین اجتماعی هم مثل خانه ای

است که آتش گرفته است. در این شرایط به نظرم جامعه کارگری باید اختلافات را کنار بگذارند، اختلافات را بگذارید برای بعد از اینکه آتش خاموش شود.

است. چرا نمی گویند این افشار برون در صندوق بیمه شرکت نفت و یا جای دیگری مثل نیروهای مسلح و یا... بیمه شوند. تنها جایی را که زورشان می رسیده سازمان تامین اجتماعی است.

آقای دکتر واقعا ممنونم از صحبت های شما. در پایان اگر مطلبی را لازم می دانید بفرمایید: توصیه نمی کنم چون پیشکسوتان جامعه کارگری و بازنشستگان همه به مسائل اشراف دارند ولی در اینجا لازم است که یک مطلب را عنوان کنم. تشکلات کارگری و بازنشستگی تلاش کنند که در یک سری مباحث مشترکی که دارند یک وحدت و یکپارچگی ایجاد کنند متأسفانه به هر دلیلی در دولت های گذشته بنا بر مسائل و دیدگاه های سیاسی که داشتند به سمت پراکندگی تشکلات رفتند. و این الان برای مطالبه گری جامعه کارگری تبدیل به سم شده است. سلاقی و اختلافات وجود دارد، باید به سلاقی و نظر همدیگر احترام بگذاریم اینکه تشکل های صنفی و مستقل

بکارگیری کارگرها در فضای مجازی انجام می شود. اینها را نه بازرس کار و نه بازرس تامین اجتماعی نمی تواند رصد کند. در همه دنیا حتی بیل گیتس هم پیشنهاد داده که از فضای مجازی دارای کسب و کار، مالیات اخذ شود. یعنی مالیات بر خدمات الکترونیک. او گفته که باید مالیاتی بر این فرآیند های مجازی وضع کنی و پولش را خرج کسانی بکنی که در اثر این کار شغل خودشان را از دست داده اند. الان میلیونها آدم داریم که در منزل یا سایر جاها و در فضای مجازی مشغول کار هستند. در برنامه هفتم یک بخشی از آن را توجه کرده اند. دولت باید یک سیستم تامین اجتماعی پایه و فرآیند برای همه آحاد جامعه ایجاد کند تا زمانیکه آن نظام ایجاد نشده، طبیعتا سرریزهای حمایتی به سمت تامین اجتماعی می آید. بالاخره یک قشری را مثلا هنرمندان، یا هر قشر دیگری را تکلیف می کنند که بیمه شوند تنها جایی که این افشار را به آن گره می زنند سازمان تامین اجتماعی



به قلم پیشکسوت داود اخوان

عدم رعایت سه جانبه گرایی



عدم رعایت اصل سه جانبه گرایی آثار سوئی بر جامعه کارگری می گذارد.

سه جانبه گرایی یک اصل و یک واقعیت انکار نشدنی است، به این دلیل که باعث می شود سه گروه با تفکراتی در راستای هم وارد مسائل کارگری و بازنشستگی شوند و راهکارهای اصولی و مناسب و پیش برنده ای را اتخاذ کنند. لیکن اکنون به وضوح مشاهده می کنیم که حضرات این اصل را زیر پا می گذارند، که مصداق بارز آن هم دستمزد تعیین شده امسال بود که به هیچ طریقی روح سه جانبه گرایی به معنی واقعی کلمه در آن جاری و ساری نشد.

لذا چون خطرات لحاظ نکردن سه جانبه گرایی همواره گریبانگیر جامعه کارگری خواهد بود، خواهان رعایت این اصل مهم از جانب دولت و گروه کارفرمایی هستیم. معتقد هستیم که این به نفع همه می باشد.

سازمان به استناد سیاست های کلی تامین اجتماعی می تواند به طرح های نادرست دولت نسبت به خود اعاده دادرسی کند

اقدام کند.

همچنین سازمان میتواند به استناد به بندهای ۳ و ۴ سیاست های کلی تامین اجتماعی در جهت تصویب قوانین جدید و یا لغو و اصلاح قوانین قبلی برای تنظیم ورودی ها و خروجی ها و تعادل منابع و مصارف اقدام نماید و یا حداقل از طریق رایزنی کارشناسی به موقع با شورای نگهبان مانع از تصویب قوانین و مقررات مغایر با اصول و سیاست های کلی تامین اجتماعی شود!

دکتر علی حیدری (کارشناس ارشد و مشاور مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی):
با توجه به عدم اقدام جدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمینه اجرای برنامه جامع تحقق سیاست های کلی تامین اجتماعی، سازمان می تواند نسبت به ارائه پیش نویس مصوبات مورد نیاز خود جهت طرح در هیات وزیران اقدام نماید. سازمان می تواند بنابر اضطرار و با توجه مقتضیات موجود، از طریق شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا نسبت به ارائه طرح هایی در زمینه وصول مطالبات بیمه ای و حق بیمه های جاری از دولت و نیز بسط و تعمیم پوشش های بیمه ای



اگر عمری باشد...!

گردآوری توسط سردبیر

و به عدد مهربانی‌هایی که نکرده است، خاطری آزرده دارد. فریبکاری سپهر تیزرو، او را خام کرد و آینده را چنان فراخ و بلند نمایاند که همه چیز را به آن حواله داد. در خانه او کتاب‌هایی است که سال‌ها چشم به دست او دوخته بودند که از قفس کتابخانه بیرون آیند و از روی میز مطالعه بر چشم او بتابند؛ اما او همیشه به آنها وعده فردا داد؛ فردایی که هیچ حُسن و امتیازی بر امروز و دیروز نداشت.

اگر امروز از این مرد بستر نشین پرسند که تنها وصیت تو به جوانان و میان‌سالان و حتی پیران و بیماران چیست، می‌گوید: «بخوانید و بخوانید و بخوانید. درد ما ندانستن نیست؛ درد ما خوددانا پنداری و بی‌اشتهایی به دانستن و خواندن است. کتاب، تنها گنج دنیاست که نه در زیر خاک، که در پیش چشم ماست و ما آن را نمی‌بینیم.

ساعت‌های بیشتری به امواج دریا خیره می‌شوم؛ دانه‌های بیشتری در زمین می‌کارم و زبانه‌های بیشتری از روی زمین برمی‌دارم.

اگر عمری باشد، کمتر غم نان می‌خورم و بیشتر غم جان می‌پرورم.

اگر عمری باشد، دیگر هیچ گنجی را باور نمی‌کنم جز گنج گهربار کوشش و زحمت.

اگر عمری باشد، برای خوشنودی، منتظر اتفاقات خوشایند نمی‌نشینم.

اگر عمری باشد، خدایی را می‌پرستم که جز محراب حیرت، در شان او نیست.

اگر عمری باشد، قدر دوستان و عزیزانم را بیشتر می‌دانم.

من قدم به ۵۵ سالگی گذاشتم. خبر مهمی نیست؛ اما مهم است که دوستان من بدانند که این مرد ۵۵ ساله، به تعداد کتاب‌هایی که نخوانده است غمگین است؛ به شمار دست‌هایی که نگرفته است، پشیمان است

اگر عمری باشد، در پی هیچ عقیده و ایمانی نمی‌دوم. در خانه می‌نشینم تا ایمانی که سزاوار من است به سراغم آید.

اگر عمری باشد، هر درختی را که دیدم در آغوش می‌گیرم، هر گلی را می‌بویم، و هر کوهی را باز نگاه می‌بینم و تنها یک تردید را در دل نگاه می‌دارم: طلوع خورشید زیباتر است یا غروب آن.

اگر عمری باشد، سیاست‌مداران را از دو حال بیرون نمی‌دانم: آنان که دروغ را به راست و آنان که راست را به دروغ می‌آیند.

اگر عمری باشد، همچنان برای آزادی و آبادی کشورم می‌کوشم.

اگر عمری باشد، رازگشایی از معمای هستی را به کودکان کهنسال می‌سپارم.

اگر عمری باشد، از هر عقیده‌ای می‌گریزم، چونان گنجشک از چنگال عقاب.

اگر عمری باشد، در جنگل‌های بیشتری گم می‌شوم؛ کوه‌های بیشتری را می‌نوردم؛

اگر عمری باشد، دیگر هیچ عدالت کوچکی را در هوس رسیدن به عدالت بزرگ‌تر قربانی نمی‌کنم.

اگر عمری باشد، دیگر با دو گروه بحث و گفت‌وگو نمی‌کنم: آنان که از عقیده خویش منفعت می‌برند و آنان که از اندیشه خویش، پیشه ساخته‌اند.

اگر عمری باشد، عدالت را فدای عقیده، و آرزو را فدای مصلحت، و عمر را در پای خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها قربان نمی‌کنم.

اگر عمری باشد، چندان در خطا و کوتاهی‌های دیگران نمی‌نگرم که روسیاهی خود را نبینم.

اگر عمری باشد، از دین‌ها تنها مذهب انصاف را برمی‌گزینم و از فلسفه‌ها، آن را که سربه‌هوا نیست و چشم به راه‌های زمینی دارد.

اگر عمری باشد، هیچ ظلمی را سخت‌تر از تحقیر دیگران نمی‌شمارم.

● رضا بابایی

Xنشر: Xگاهنامه مدیر

رضا بابایی نویسنده چندین کتاب و مقاله در زمینه دین و فلسفه در سن ۵۵ سالگی گرفتار سرطان شد و روزگار برای او چنین رقم زد که پنجه در پنجه این بیماری سخت اندازد و با کمال تأسف در ۱۸ فروردین ۱۳۹۹ از بین ما رفت. یادداشت زیر از اوست.

اگر عمری باشد، پس از این هیچ فضیلتی را هم‌پایه مهربانی با آدمیزادگان نمی‌شمارم.

اگر عمری باشد، کمتر می‌گویم و می‌نویسم و بیشتر می‌شوم و می‌خوانم.

اگر عمری باشد، پس از این خویش را بدکار هستی و هستان می‌شمارم نه طلبکار.

اگر عمری باشد، دیگر به هیچ سیاست‌مداری و کالت بلاعزل نمی‌دهم.

سه مطلب - سه برداشت

معجزه لبخند!!! همه نابغه اند، شما چطور؟

در جلوی کالسکه‌ی فرمانده، سربازان راه می‌رفتند و در پشت آن بردگان حرکت می‌کردند. نخستین پارچه نویسی‌ها در تظاهرات‌های تاریخ را از این دوران به خاطر داریم. بردگان، گروه‌گروه، پلاکاردهایی را در دست می‌گرفتند که روی آنها، نام سرزمین‌هایی که فرمانده تا آن لحظه فتح کرده بود نوشته شده بود.

این مراسم‌ها یک روز تمام به طول می‌انجامید تا نهایتاً با قراردادن تاجی از طلا بر سر فرمانده به پایان برسد. تاجی که معمولاً تمام حفره‌هایش با مروارید پر می‌شد.

همواره دو نفر سوار کالسکه دیده می‌شدند. نفر اول همان فرمانده پیروز بود و نفر دوم یک برده. وظیفه‌ی برده این بود که در تمام مدت مراسم و حرکت در شهر، همزمان که یک گوش فرمانده از فریاد تشویق مردم پر بود، در گوش دیگرش زمزمه کند: "Memento mori". جمله‌ای که شاید در طول مراسم، هزاران بار تکرار می‌شد. مفهوم و معنای آن جمله چنین است: "X" به خاطر داشته باش که تو هم خواهی مُرد... X"

به بردگانی که این وظیفه را بر عهده داشتند اوریکا می‌گفتند. اینها معمولاً بردگانی بودند که قبلاً مقام‌الایی داشتند و به واسطه‌ی فتح شدن سرزمین‌هایشان، به اسارت و بردگی گرفتار شده بودند. کالسکه‌ی فرماندهان را هم اوریکاها می‌راندند تا فرمانده، دائماً آنها را پیش چشم خود داشته باشد...

زدم نگاه او حال و هوای دیگری پیدا کرده بود. پرسید: "بچه‌داری؟" بادستهای لرزان کیف پولم را بیرون آوردم و عکس اعضای خانواده ام را به او نشان دادم و گفتم: "آره اینهاش". او هم عکس بچه‌هایش را به من نشان داد و درباره نقشه‌ها و آرزوهایی که برای آنها داشت برایم صحبت کرد.

اشک به چشم‌هایم هجوم آورد. گفتم که می‌ترسم دیگر هرگز خانواده ام را نبینم. دیگر نبینم که بچه‌هایم چطور بزرگ میشوند. چشم‌های او هم پر از اشک شدند.

ناگهان بی آنکه حرفی بزند. قفل در سلول مرا باز کرد و مرا بیرون برد. بعد هم مرا بیرون زندان و جاده‌ی پستی آن‌که به شهر منتهی میشد هدایت کرد. نزدیک شهر که رسیدیم تنهایم گذاشت و برگشت بی آنکه کلمه‌ای حرف بزند... X

یک لبخند زندگی مرا نجات داد... X

وقتی سرمست از موفقیت شدی، "موتو موری" را بخاطر بیاور!

محمدرضاشعبانی

در روم باستان و دوران قبل از میلاد مسیح، وقتی فرماندهان بزرگ جنگی در نبردهای مهم و استراتژیک پیروز می‌شدند، برای آنها جشن فتح برگزار می‌کردند. کالسکه‌ای طلا اندودآماده می‌کردند و در تمام شهر می‌گرداندند و مردم کنار معابر برای فرمانده فریاد شادمانی و سپاس سر می‌دادند.

آنتوان دو سنت‌اگروپری، نویسنده کتاب شازده کوچولو، در اسپانیا اسیر نیروهای فرانکو بوده است:

"مطمئن بودم که مرا اعدام خواهند کرد. به همین دلیل به شدت نگران بودم. جیب‌هایم را گشتم تا شاید سیگاری پیدا کنم که از زیر دست آنها که حسابی لباس‌هایم را گشته بودند در رفته باشد. یکی پیدا کردم و با دستهای لرزان آن را به لب‌هایم گذاشتم ولی کبریت نداشتم. از میان نرده‌ها به زندانبانم نگاه کردم. او حتی نگاهی هم به من نینداخت درست مانند یک مجسمه آنجا ایستاده بود.

فریاد زدم "هی رفیق کبریت داری؟ به من نگاه کرد شانه‌هایش را بالا انداخت و به طرفم آمد. نزدیک تر که آمد و کبریتش را روشن کرد بی اختیار نگاهش به نگاه من دوخته شد. لبخند زدم و نمیدانم چرا؟ شاید از شدت اضطراب، شاید به خاطر این که خیلی به او نزدیک بودم و نمیتوانستم لبخند نزنم. در هر حال لبخند زدم و انگار نوری فاصله بین دل‌های ما را پر کرد.

میدانستم که او به هیچ وجه چنین چیزی را نمی‌خواهد. ولی گرمای لبخند من از میله‌ها گذشت و به او رسید و روی لب‌های او هم لبخند شکفت. سیگارم را روشن کرد. ولی نرفت و همانجا ایستاد. مستقیم در چشم‌هایم نگاه کرد و لبخند زد. من حالا با علم به اینکه او نه یک نگهبان زندان که یک انسان است به او لبخند

— هوش درون فردی
— هوش هستی‌گرا
— هوش طبیعت‌گرا
— هوش منطقی
و متأسفانه شما فقط دو نوع هوش منطقی و زبانی رو هوش میدونید.

● خوب مگه چه عیبی داره؟!
● عیب که خیلی داره. اولینش اینه که بچه‌ها رو به خاطر رشد دو نوع هوش، دچار غرور تله هوش می‌کنید. نتیجه‌اش هم این میشه که این بنده‌های خدا تا آخر عمر، بلون اینکه بفهمن در یک تفکر بسته و محدود باقی میمونن.

● دوم: بقیه بچه‌ها هم که بر حسب ضعیف‌تر خوردن نادیده گرفته میشن. در حالی که ممکنه تو انواع دیگه هوش سرآمد و نابغه باشن. می‌دونین با این کار چه بلایی سر اعتماد به نفسشون میاد؟
● سوم اینکه، همون بچه‌های به اصطلاح تیزهوش رو به چاله مهندسی و پزشکی هل میدید. جامعه رو از وکیلا و هنرمندا و نویسندگها و بازیگرا و ورزشکارا و طراحای بزرگی محروم می‌کنید.

● چهارم... الو؟! قطع شد...
Xمنبع: Xبخشی از کتاب "همه دانش آموزان نابغه‌اند اگر...": تالیف: مهدی محسنی معجزه‌لیخند

این ماجرا واقعی و مربوط به زمانی است که

● الو سلام! سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان؟
● بله بفرمایید!
● ببخشید. خواستم بدونم شما چه کاری کنید؟
● ممنون از سوال خوبتون. ما بچه‌های با استعداد درخشان شما رو شناسایی و برای پیشرفت بیشتر حمایت می‌کنیم.
● احسنت! چه کار خوبی. میشه بگید چطور این کارو می‌کنید؟
● بله! ما تستها و آزمون‌هایی داریم که در پایان دوره ابتدایی و راهنمایی با اونا مشخص می‌کنیم کدوم یک از بچه‌های شما مستعد ترن.
● بانست؟ عجیبه!
● چی عجیبه؟!
● هیچی! بگنیم. ممکنه بگید کدوم استعداد‌ها رو شناسایی می‌کنید؟
● پدر جان انگار مارو گرفتیا! ما بچه‌های تیزهوش رو شناسایی می‌کنیم. هوش هم همون IQ دیگه!... افتاد؟
● بله! خیلی وقته افتاده...
● راستش دیگه همه میدونن که حداقل ۹ نوع هوش و استعداد تو همه انسانها وجود داره:
— هوش زبانی
— هوش موسیقایی
— هوش جسمی حرکتی
— هوش میان فردی
— هوش بصری مکانی

آیا میدانستید فرآیند پیر شدن

از کدام قسمت بدن شروع می‌شود؟

- اشتباه نکنید، پیری با چین و چروک صورت و یا سفید شدن موها شروع نمیشود.
- مقاله‌ای با عنوان «تا می‌توانید پاهایتان را قوی نگه دارید تا پیر نشوید» در ژورنال آمریکایی (prevention) چاپ شده است.
- بر اساس تحقیقات اخیر پیری بر خلاف باور عمومی از موی سفید، ریزش مو و چروکی پوست شروع نمی‌شود. پیری از پا شروع می‌شود. هر کس زودتر پاهایش ضعیف شود، زودتر پیر می‌شود
- بی‌تحرکی پا به مدت دو هفته معادل ۱۰ سال پیری است
- تقریباً ۵۰ درصد استخوان‌های بدن، عضلات بدن، سلسله اعصاب، عروق و گردش خون در پاها است.
- خیلی از افراد می‌گویند که ما مشکلی نداریم اما پاهایمان یخ می‌زند؛

یعنی گردش خون به خوبی انجام نمی‌شود. در صورتی که گردش خون در پا سریع‌تر باشد، قلب سالم‌تری خواهد داشت.

- حتی بعد از ۶۰ سالگی هم حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه باید پیاده‌روی داشته باشیم.
- یک ورزش متعادل به گردش خون کمک می‌کند. به عبارت خودمانی شخص از پا نمی‌افتد. در خیلی افراد شاهد پیری در پا هستیم و چهره جوانی دارند.
- برای تضمین سلامتی و عمر ۱۲۰ ساله و سلامتی بعد از ۶۰ سالگی باید از الان به فکر سلامتی پاها باشیم.
- این سینا در طب ایرانی از شاهراه تندرستی صحبت می‌کند که شاه کلیدهای حفظ سلامتی و تندرستی را مطرح می‌کند
- این سینا به منطق شهره است و در بیان اسباب حفظ سلامتی در کتاب قانون به ترتیب به آب‌وهوا، خوردن و آشامیدن، حرکت و سکون، خواب بیداری، پاک‌سازی بدن و حالت روحی روانی اشاره می‌کند.
- در صورتی که ما بهترین غذاها را مصرف کنیم، باز مواد زائدی را تولید

می‌کنیم که با ورزش هضم و دفع می‌شود. سوخت‌وساز مواد اضافه به واسطه حرکات ورزشی انجام خواهد شد.

- خیلی از بیماری‌ها مثل دیابت، فشارخون، کبد چرب و اضافه‌وزن طول عمر و کیفیت زندگی ما را کاهش می‌دهند.
- بر اساس شواهد علمی اضافه‌وزن زمینه‌ساز بیماری سرطان است و بر خلاف باور مردم سیگار به اندازه اضافه‌وزن در ابتلاء به سرطان تأثیر ندارد.
- اضافه‌وزن زمینه‌ساز خیلی از بیماری‌ها است. ورزش سوخت‌وساز بدن را به سمتی می‌برد که مواد اضافی از بدن دفع شوند. ورزش انرژی در بدن تولید می‌کند که نزدیک به انرژی ذاتی بدن ما است.
- ورزش جزء اصولی است که برای حفظ صحت و واجب است. برای حفظ سلامت لازمه که ورزش جز اولویت‌مان باشد.
- باید همواره حواسمان به سوخت ساز بدن بوده و به اندازه‌ی کالری که وارد بدن میکنیم
- تحرک داشته باشیم که چرخه سوخت و ساز در بدنمان تنظیم باشد.

بخش رادیولوژی پلی کلینیک تخصصی تامین اجتماعی جشنواره راه اندازی شد

با تلاش و همت مجموعه تامین اجتماعی و همراهی خانه کارگر شرق تهران؛ بخش رادیولوژی پلی کلینیک تخصصی تامین اجتماعی جشنواره راه اندازی شد. آقای بیات دبیر اجرایی خانه کارگر شرق تهران ضمن اعلام این خبر از پیگیری های مجدانه آقایان حسن صادقی و قربانی رئیس و دبیر کمیته بیمه درمان خانه کارگر برای راه اندازی این واحد تشخیصی از همراهی صمیمانه آقای دکتر اخوان رئیس این واحد درمانی قدر دانی کرد و گفت: با راه اندازی واحد رادیولوژی و تلاش کادر محترم و دلسوز این پلی کلینیک، بیمه شدگان و بازنشستگان محترم تامین اجتماعی می توانند از خدمات این مرکز بهره مند شوند.



همیشه چای برام بیشتر از یک نوشیدنی ساده بوده!

چای بهانه جذابه برای هم صحبت شدن با کسی ...
چای می تونه دلیل پیش پا افتاده ای باشه برای تازه کردن یک دیدار، که خیلی وقت پیش باید اتفاق می افتاده و به هر دلیلی نیفتاده ...
چای می تونه واحد اندازه گیری رفاقت و صمیمیت باشه!
هر چه تعداد فنجان های خورده شده بیشتر، شوق کنار هم بودن بیشتر ...
هر چه تعداد چای های سرد شده بیشتر، دل های گرم شده و شوق هم صحبتی بیشتر ...
اگر نظر من را بخواهید چای باید همیشه قندپهلو باشد، تا یادمان نره با یک شیرینی کوچک هم میشه از تلخی ها لذت برد!
چای رو جدی بگیرین!
روزی دلتنگ این بهانه ی کوچک خواهید شد
سلام

چای رفاقت تون همیشه دم
چای رفاقت تون همیشه گرم



تشریح فعالیت کمیته های تفریحی، درمان و تسهیلات اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



فرهنگی و تاریخی از جمله شهرهای کاشان، محلات، قزوین و طالقان برگزار نموده ایم که با استقبال خیلی خوب میهمانان مواجه شده ایم.

در همین رابطه خانم خوشنواز، از فعالان این اتحادیه و مجریان سفرهای یک روزه اتحادیه پیشکسوتان گفت: از آغاز اجرای طرح تاکنون بالغ بر ۵۰۰ تن از پیشکسوتان عزیز در تورهای پیش بینی شده اتحادیه شرکت کرده اند و به جرات می توانم بگویم که میزان رضایتمندی آنان بیش از ۹۰ درصد می باشد. آقای عبادی عضو هیات مدیره اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری هم ضمن بیان این نکته که کمیته سفرهای یک روزه تاکنون به ۷۰ درصد اهداف پیش بینی شده دست یافته؛ از تلاش های بی وقفه خانم خوشنواز و آقایان باقری و موسوی برای برگزاری هرچه بهتر تورهای تفریحی ویژه پیشکسوتان قدر دانی نمود.

برنامه ریزی سفرهای یک روزه جهت ایجاد شغف و شادی پیشکسوتان صورت می گیرد. او گفت: هدف از ایجاد کمیته تسهیلات راهنمایی اعضای محترم اتحادیه پیشکسوتان برای دریافت تسهیلات از بانک ها و خرید قسطی لوازم خانگی و تهیه برخی اقلام مواد غذایی با کیفیت و قیمت مناسب است.
آقای موسوی هدف از تشکیل کمیته هنری اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری را ارائه خدمات هنری و برنامه های شاد به اعضای اتحادیه بوده و کمیته بیمه و درمان این اتحادیه هم وظیفه ارائه خدمات بهداشتی و پیگیری مسایل مربوط به بهداشت و سلامت پیشکسوتان محترم را دارد.
آقای باقری بازرس اتحادیه و مجری سفرهای یک روزه نیز ضمن تشریح اهداف برگزاری تورهای یک روزه برای اعضای محترم این اتحادیه گفت: تاکنون تورهای یک روزه متعددی را برای بازدید پیشکسوتان جامعه کارگری از اماکن

اعضا و مجریان کمیته رفاهیات اتحادیه در یک نشست دوستانه با سردبیر نشریه به تشریح فعالیتهای این کمیته پرداختند.

کمیته های رفاه و سفرهای اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در نشست با ماهنامه، اهم فعالیت های این کمیته را تشریح کردند.
به گزارش خبرنگار ما؛ آقایان موسوی، باقری، عبادی و خانم خوش نواز در بیان عملکرد این کمیته از رضایتمندی بالای ۹۰ درصد پیشکسوتان محترم از برنامه های این کمیته خبر دادند.

آقای موسوی مشاور اجرایی رئیس اتحادیه پیشکسوتان و عضو کمیته درمان و تسهیلات این اتحادیه با اشاره به تشکیل کمیته های مختلف بر اساس نیازسنجی های صورت گرفته؛ این کمیته ها را شامل کمیته تفریحی، تسهیلات، هنری و بیمه و درمان برشمرد و گفت: در کمیته تفریحی

به بهانه ۲۹ آبان، سالروز تصویب قانون کار؛

خبری از جشن نیست! می آییم تا فریاد بزنیم!

۲۹ آبان ۱۳۶۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران متولد شد و قرارمان این بود که همه ساله در چنین روزی کارگران به شکرانه وجود چنین قانونی جشن برگزار کنند و از یادگار عزیز امام و میراث ارزشمند انقلاب حمایت نمایند. قانون کار هیچ تضادی با تولید و اشتغال نداشته و ندارد. این قانون با رعایت تمامی استانداردهای جهانی و در قالب موازین بین المللی از کارگران حمایت کرده و بر اصل مهم سه جانبه گرایی و توسعه تشکل های کارگری و کارفرمایی تاکید دارد. در این سالها با این قانون آنچنان کردند که امروز گویی هیچ نشانی از آن قانون دهه ۶۰ ندارد! به قدری شاخ و برگ هایش را زدند که حتی مخالفان و منتقدانش هم شاکه هستند! سالهاست که به بهانه سالروز تصویب قانون کار جمع می شویم و به جای شادی و پایکوبی رخت عزا بر تن می کنیم و فریاد اعتراض مان بلند است! امسال هم مثل سال گذشته و سالهای گذشته گردهم خواهیم آمد و در جشنی که بیشتر به سوگواری می ماند؛ از این میراث تکه تکه شده حمایت خواهیم کرد!



به همراه پسر امده ام بیمارستان میلاد؛ اول صبحی این همه جمعیت؟ چه خبره؟ آدم فکر می کنه همه مریض اند! وقت دکترم را از یک هفته پیش گرفتند و در سالتی نشستیم که کیپ تا کیپ آدم نشسته!

آقای دکتر هنوز نیامده و من از درد به خودم می پیچم! ای کاش وضع مالی ام طوری بود که می توانستم برم درمان خصوصی! اوضاع و احوال پسر هم خوب نیست و برای این که خرج رو دستش نذارم گفتم بیمارستان میلاد خوبه! از شلوعی و سروصدای درمانگاه کلافه شدم! انواع و اقسام ادم های بیمار اینجا هستن. بعضی آدما بدجوری سرفه می کنن و نگرانم که نکنه گرفتار و بیروس ها بشم!

تند و تند آدم ها میرن داخل اتاق و بیرون میان! از آقایی که بغلم نشسته می پرسم اینا میرن پیش دکتر و برمی گردن؟ با اشاره سرش می فهمم که بله!

دکتر ما تازه آمده و کلی بیمار منتظرش هستن! نویتم را می پرسم؟ نفر ۲۰ ام هستم! نیم ساعتی گذشته و من باید برم داخل! کل معاینه من ۵ دقیقه ست! اصلاً! امان نمی دهند سوال کنم. فکر می کنم نسخه م را از قبل نوشتن و من الکی از دردهام میگم!

از جناب دکتر گلایه می کنم که این چه جور معاینه ایه؟ از کجا فهمیدید چه دارویی باید بنویسد؟!

سوال می کنم آقای دکتر، بیرون از اینجا مطب دارید؟ با کمی مکث جواب میده! بله! سوال بعدی را می پرسم؛ اشکال نداره در مطب مزاحم شما بشم؟ میگه از منشی اطلاعات بگیرید و تشریف بیارید!

از اتاق دکتر خارج شدم؛ چند نفری مثل من آدرس مطب آقای دکتر را می گیرند؛ میگن دکتر اینجا وقت زیادی نداره و اگه می خواهید جواب بگیرید برید مطب؟!

تقدیر و تشکر

ماهانامه داخلی " اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری " پس از مدت ها رکود؛ از ازمای پایانی سال ۱۴۰۱ حیاتی دوباره یافت و امروز این نشریه به لطف خدا و با همراهی صمیمانه رئیس و اعضای هیات مدیره محترم این اتحادیه و همکاری بی شائبه آقای مهندس اسرافیل عبادتی مدیر مسئول پرتلاش روزنامه کارواگر و مدیریت بی نظیر جناب آقای جعفر رضایی مدیریت محترم سازمان استانها و شهرستانهای روزنامه کارواگر و زحمات دوستان گرامی در بخش های صفحه بندی آقایان سعید اصغری و یوسف عزیزی و دوستان فنی و چاپخانه به طور منظم منتشر می گردد. از جناب اعضای تحریریه ماهنامه و از زبان رئیس محترم این اتحادیه جناب آقای حسن صادقی تشکر قلبی خودمان را از تمام این عزیزان اعلام می داریم. انشالله این همکاری ها تداوم یافته و دعای خیر پیشکسوتان عرصه تولید و خودکفایی همراه تمامی خدمتگزاران به نظام و جامعه شریف کارگری و بازنشستگان شریف باشد.

